

ماهرخ

نویسنده
فاطمه صادقی



شماره پروانه ۲۴۸۵۶

انتشارات سنگ‌نبشته

۱۳۹۸

سرشناسه	: صادقی، فاطمه، ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور	: ماهرخ / فاطمه صادقی
مشخصات نشر	: خرم‌آباد: انتشارات سنگ‌نبشته، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	: ۴۷ ص
شابک	ISBN: 978 - 622 -95773-2-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
یادداشت	: چاپ دوم
یادداشت	: چاپ قبلی، قلم اعظم، ۱۳۹۷
موضوع	: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- 20th century:
رده‌بندی کنگره	: PIR ۸۳۵۰ :
رده‌بندی دربی	: ۸ فا ۳ / ۶۲ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۸۳۰۲۵ :



ماهرخ

نویسنده: فاطمه صادقی

انتشارات سنگ‌نبشته، همراه: ۰۹۱۶۵۵۵۰۰۲۸

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۳۹۷، چاپ دوم ۱۳۹۸

ناظر چاپ: حمید گودرزی مهر

امور رایانه‌ای و طرح جلد: مرضیه حافظی‌فر، چاپ و صحافی: سمن

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۷۳-۲-۵

بها: ۱۰۰۰۰ تومان

«الهی به امید تو»

بنام خدای که آفرید انسان را از لخته خون بسته و عقل را در وجودش به ودیعه گذاشت تا بتواند راه را از بیراه بازشناسد و خود را از گرداب وسوسه های شیطانی به ساحل نجات برساند. در ذهن هر انسانی ناسازگاریها و تضادها و تناقض های زیادی موج می زند و نتیجه سنجش از مغز ما این سازگاریها را ثبت می کند و سرانجام این ناسازگاریها به صورت حس جدایی از خداوند پدیدار می شود و مارا از حد حالت تعادل خارج می سازد، و تنها یاد خداست که این تضادها و تناقض ها را کم رنگ و کم رنگ می نماید. بطوریکه صفحه ذهن آدمی در سایه اش به آرامش ابدی دست می یابد و تکبر و خودبینی ها را کنار می گذارد و تنها یک حقیقت را می بیند. آری یادش باعث می شود که انسان همیشه در حیطه حقیقت نفس بکشد و در میدان انرژی حقیقت به انسان های دیگر الهام بخشد. بعد از آنکه تیر وی خفته ضمیر پاکمان بیدار شد به طور ناخودآگاه مسیر آفتاب نگاهمان را به جهان و همنوعانمان را تغییر می دهیم و درک می کنیم که سهیم در زندگی تنها یک نگاه از روی عشق و محبت است.

حال من در این داستان قصد دارم گوشه ای از زندگی کودکانی را به تصویر بکشم که با وجود نعمت بزرگ پدر و مادر و وجودشان محروم بوده اند و در آغوش و ماوای بیگانگان پناه گرفته اند. و بزرگ شده اند و همیشه این داغ جبران ناپذیر را در صفحه ذهن و قیاسان به یادگار دارند اینان با مفاهیمی چون ناپذیری نامادری و برادر و خواهر ناتوانی و الفت دیرینه دارند و هرگز نتوانسته اند واژه های زیبای چون پسر و مادر و خواهر برادر را به معنی واقعی شان درک و لمس کنند.

حال درست است همه امور و حوادث دنیا طبق برنامه و در زمان معینی انجام می شود و تقدیر، سرنوشت ما را رقم می زند ولی این با منطق عقل و انسانیت جور در نمی آید که خود با دستان و اراده خود سرنوشت دیگران را در مسیری دیگر تغییر دهیم و آن را در نهایت به حساب تقدیر بگذریم. زیرا باید این حقیقت انکار ناپذیر را درک کنیم که خداوند به ما

نعمت با ارزش اختیار را عطا فرموده است. حال این کودکان به خاطر حضور پر محبت تنها معبودشان بارها زمین خورده اند و با یاری خدای که همیشه در کنارشان بوده بلند شده اند و با همین امید بوده که به زندگی شان ادامه داده اند و... و همیشه بر این باور بوده اند که هر سختی و دشواری که در مسیر زندگیشان برایشان پیش می آمده دریچه بسوی روشنای بوده و راه گشایی برای زندگیشان می دانند و همیشه این حقیقت را با خود داشتند که هر شکستی، مقدمه برای پیروزی است. و هرگز خداوند دری را به روی بنده اش می بندد شک نداشته باش که دری بهتر به پیش می گشاید.

خدا چو ببندد دری را ز رحمت گشاید در دیگری

«فاطمه صادقی»